



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۴/۲۶



ولی احمد نوری

هفت ثور کودتای ویرانگر در افغانستان



فردا شنبه هفتم ثور روز کودتای منحوس و خانه برانداز خلق و پرچم در افغانستان است که سبب ویرانی کشور و کشتار بیش از یک میلیون آن سرزمین شده است و این خیانت بزرگ گروه های خائن به وطن نباید از خاطره تاریخ فراموش گردد.



فوتو ها با تشکر از سایت «برترین ها» از اینترنت گرفته است

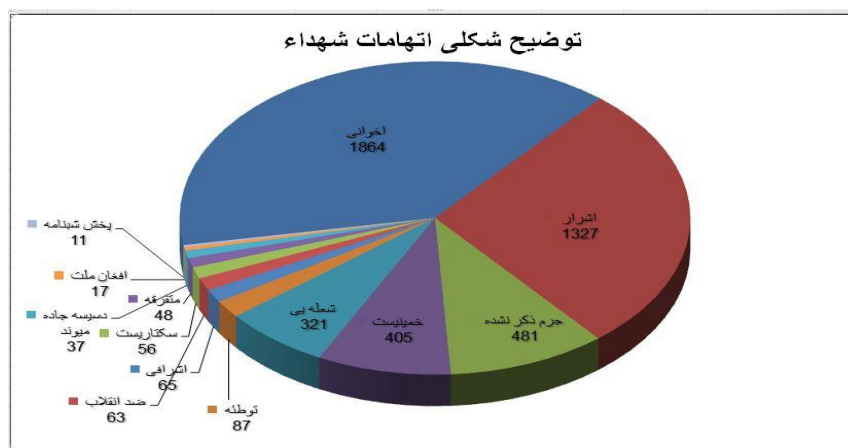
لیست پنجهزار مقتول نظام خلق و پرچم

نظری به یکی از لیست های کشته شدگان و قربانیان افغانستان در نظام خائنانه کمونیستی خلق و پرچم و بادران روسی شان و پیشنهادی به آقای محمد اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان

در باره جنایت ها و خیانت ها و کشت و کشتار نظام های چهارگانه کمونیستی در افغانستان یعنی تره کی، امین، ببرک و نجیب و نظام تنظیمی های خدمتگار ایران و پاکستان گفتنی زیاد است و نوشتن همه آن در یک مرتبه گنجایش ندارد. فعلاً صرف به چند نکته در مورد همین لیست پنجهزار کشته ای که دو سال قبل در وبسایت افغان جرمن با توضیحات روشن و علمی انتشار یافته است، توجه خود را مبذول میداریم و در ختم پیشنهادی به نظام موجوده مخصوصاً به شخص شاغلی اشرف غنی پیشکش می کنیم.

۱- جنایات کمونیست ها به این لیست پنجهزار نفری وقت امین خلاصه نمی شود، چه در ختم سال اول نظام منفور کمونیسی تحت سرمداری نور محمد تره کی به تعداد ۱۲ هزار نفر افغان فقط به گناه کمونیست نبودن زیر نام های

مختلف (شعله پی - اخوانی - خمینیست - ضد انقلاب - توطئه گر - اشراف - طرفداران ظاهرشاه و سردار داوود و بالاخره به نام اشرار) کشته اند که لیست های آنرا حفظ الله امین بعد از کشتن نورمحمد ترکی و گرفتن قدرت سیاسی در دیوار های وزارت داخله آویزان کرده بود و همه افغان ها مکلفیت ایمانی، وجدانی و ملی دارند در راه بدست آوردن این لیست ها هم تلاش خستگی ناپذیر نمایند.



۲- تعداد قربانیان به این هفده هزار تن هم خلاصه نمی شود (۵ + ۱۲) زیرا در زمان ببرک کارمل "العین" و نجیب الله "قصاب کابل" از این هم بیشتر مردم مظلوم افغانستان را از زندگی محروم ساخته اند و هزاران هزار دیگر در زندان های مخوف آنها پوسیده اند. از همه این جنایات آنها، آنانیکه هنوز زنده اند و آرزوی به قدرت آمدن دوباره را هم در سر می پروراندند، باید حساب گرفته شود و مسئولین و مرتکبین آن جنایات و قتل ها و خونریزی ها به میز محاکمه کشانیده شوند و جزای لازم و در خور جنایات ایشان به آنها داده شود.

۳- به اساس لیست مستند و معتبری که بیرون داده است دیده می شود که در زمان حاکمیت امین :

- ۱۸۶۴ یک هزار و هشت صد و شصت و چهار انسان افغانستان را به نام (اخوانی) کشته اند،
- ۱۳۲۷ یک هزار و سه صد و بیست افغان را در سراسر افغانستان به نام (اشرار) کشته اند،
- ۴۸۲ چهار صد هشتاد و دو افغان را (بدون اثبات جرم و ذکر آن) کشته اند،
- ۴۰۵ چهار صد و پنج افغان را به نام (خمینیست) یا طرفداران خمینی کشته اند،
- ۳۲۱ سه صد و بیست و یک افغان را بنام (شعله پی) کشته اند،
- ۲۸۱ دو صد هشتاد و یک افغان بیگناه را در سراسر کشور به نام های مختلف و بی معنی دیگر کشته اند،
- ۱۳۵ یکصد و سی و پنج افغان را به نام های (توطئه و دسیسه و پخش شبنامه) کشته اند،

- ۸۲ هشتاد و دو افغان را به نام (اشراف و افغان ملت) کشته اند،
- ۶۳ شست و سه افغان را به نام (ضد انقلاب) کشته اند،
- ۵۶ پنجاه و شش افغان را به نام (سکتاریست) کشته اند که نمیدانم مراد شان از سکتاریست چه بوده است؟، این است شرح جرایم این پنجزار افغان بیگناه که از زندگی و آغوش فامیل و خانواده شان محروم شده اند و خون های پاک شان برای هیچ ریختانده شده است.

در اینجا سؤالی مطرح می شود که آیا برای شناسایی اخوانی بودن چه معیار های دقیق و عوامل معقولی را در دست داشته اند؟ یقین دارم هر افغان مظلومی که در کنج سرکی یا پارکی شالش را هموار کرده و به نماز خواندن شروع کرده است به نام اخوانی گرفتار شده و سربه نیست گردیده است. یا کسانی را که برای شفای مریضش یا رهایی وطنش دستان خود را به طرف آسمان بلند کرده و دعا نموده به نام اخوانی گرفتار کرده اند و بدون پرسان و جویان و محاکمه اعدام نموده اند.

۴- در این لیست بیشتر از هزار هموطن ما را که همه دکاندار، نجار، گلکار، مزدورکار، کتاب فروش، ذغال فروش، چوب فروش، میوه فروش، کلچه فروش، لیلامی فروش، قصاب، نانوائی، سقاپ، بایسکل ساز، رادیو ساز، ساعت ساز، سماوارچی، کهنه فروش، تکه فروش، دست فروش یعنی «لوانی»، دریور و کلینر و راننده تکسی، پیاده دفتر، کارمند دواخانه، نرس شفاخانه، خیاط، شاگرد خیاط، میخانیک، مستری، شاگرد مستری، تحویلدار، خانه سامان، آهنگر، وکیل گذر، خشکه شوی، هوتلدار، چوپان، سرایدار، تیکه دار، تعویضگر، زمیندار، ملا امام، تشکیل داده است، در زمره کشته شدگان معرفی شده اند، مخصوصاً دهقان و کارگر و زارع و بیکار و غریبکار که برای دفاع از حقوق شان باصطلاح انقلاب کرده بودند، به گناه کمونیست نبودن اعدام شده اند. (تعجب است که چگونه نداف از پیش شان خطا خورده است) به یقین گفته می توانیم که این طبقات زحمتکش و کارگر که برای زنده ماندن خود و زن و اولاد خود با مشقات زندگی دست و پاچه نرم میکردند اصلاً با سیاست و کثافت کاری اداری سر و کاری نداشته اند. پس فقط به گناه کمونیست نبودن کشته شده اند. که نه تنها رهبران این نظام دنی و فروخته شده جوابگو هستند بلکه مسؤولین اول که برای آنها و در نظام آنها کار کرده و در پوست های مهم جهت انجام اعمال مجرمانه آن رژیم زمینه را رسماً فراهم نموده اند مسؤول و جوابگو اند.

آدمیم بر پیشنهاد به نظام کنونی یا باصطلاح نظام دیموکراسی دیروز که رئیس جمهور آن حامد خان کرزی بود و رئیس جمهور امروز که جناب محمد اشرف غنی است. اینکه روز ۳۰ سپتمبر را روز عزای ملی و روز دعا خوانی و یاد و بود از این شهدای عزیز وطن اعلان کردند و بیرق های سه رنگ افغانستان را در سراسر کشور به احترام این مقتولین پاک و معصوم وطن نیمه افراشته ساختند برای «نمایش» کار بدی نبود ولی کار اساسی و به درد بخور محسوب نمی شود.

این شهدای بیگناه و پاک کشور به نسبت ظلم و ستمی که خود شان و خانواده های شان از اثر قتل آنها متقبل شده اند راساً داخل بهشت شده و از همه عطوفت های پروردگار برخوردارند و به این دعا های ما گنهکاران احتیاجی ندارند و نه اعمار مسجدی و بنایی به نام آنها درد جانکاه مادرانی را که پسران جوان شان را از دست داده اند و زنانی که شوهران شانرا از آنها گرفته اند و کودکانی که پدران خود را از دست داده و یتیم و بی سرپناه شده اند، دوا نمی کند. مهمترین کاری که این نظام (اگر واقعاً یک نظام دیموکراتیک و عادل است) و رئیس جمهور اشرف غنی می تواند



فوتو ها با تشکر از سایت «برترین ها» از انترنت گرفته است

انجام دهد اعدام چند نفر جنایتکار و قاتل این فرزندان در همین روز با مراسم خاص بود که از یکطرف سبب تسکین خاطر این پدران و مادران و کودکان داغدار می شد و از جانب دیگر درسی برای آیندگان. در حالیکه این جانپان و قاتلان امروز در اروپا و امریکا و در خود افغانستان گشت و گزار میکنند و به ریش مردم می خندند و بشرمانه در تلویزیونها ظاهر میشوند و بادیده دایی مصاحبه ها میکنند، حتی خود را برای وکالت مردم و رهبریت آن کاندید میکنند. جناب اشرف غنی! چیزی را حامد کرزی در دوران طولانی وظیفه اش انجام نداد، لطفاً شما که هنوز بر اریکه قدرت نشسته اید و در برابر قضاوت تاریخ و مردم قرار دارید، چیزی را که در این دو دهه صورت نگرفت لطفاً و عاجلاً به آن اقدام نمائید تا سر تان پیش تاریخ بلند باشد.

- ایجاد یک محکمه تخصصی مربوط به رسیدگی قضایای «جنایات علیه بشریت، ژینوسید (کشتار جمعی)، جنایات جنگی و انواع جرایم عمومی از این قبیل»^۱،
- ایجاد یک مرجع جمع آوری اسناد و مدارک اثباتی تا بتواند اسناد این جنایات را آماده سازد،^۲
- محکمه تخصصی قضایای جنایات علیه بشریت و نهاد جمع آوری اسناد و مدارک را مکلف سازید تا در آوان سوگواری شهدای شامل این لیست ها و خارج آنرا به اطلاع مردم افغانستان برسانند.

دو خواهش:

- از دوست دانشمند و گرانقدرم جناب فرید جان هیرمند حقوقدان برجسته افغان، مشاور حقوقی و بسایت (آریانا افغانستان آنلاین) محترمانه آرزو می کنم مقاله مفصل علمی و تحقیقی ای پیرامون ایجاد این نوع نهاد ها و محاکم نوشته و به مطالعه خوانندگان و دولت افغانستان برسانند.
- از همه خوانندگان (آریانا افغانستان آنلاین) خواهش میکنم داستان کوتاه «در انتظار پدر» را که به قلم توانای جناب حنیف رهیاب رحیمی همکار گرامی این وبسایت نوشته شده و قصه دلخراش یکی از همین شهداء و مقتولین است، به کمک لینک آتی بخوانند.

• http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/h_rahayab_dar_entezaar_padar.pdf

۱- اگر اشتباه نکنم در قانون اساسی افغانستان در بخش قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دولت، رئیس جمهور صلاحیت دارد، تا تأسیس محاکم مورد ضرورت را برای ستره محکمه منظور نماید.

۲- این مرجع می تواند با کمک ریاست امنیت ملی یا استخبارات وزارت داخله و همکاری کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای جامعه مدنی بخصوص انجمن فامیل های شهداء و مفقودین مؤفقانه داخل فعالیت گردد.

• در اخیر از شاغلی قیس کبیر همکار قبلی اینجانب در وبسایت افغان جرمن که بنده بیش از پانزده سال با آن رسانه در خدمت مردم خود بودم، به نسبت آماده ساختن دیگرام های توضیح شکلی این فاجعه بصورت سیانتیفیک تشکر میکنم.

و اینهم مضمون عالی و مشرح دانشمند . قلم بدست کم همتا، فرزند آگاه و وطن پرست افغان دوست معزز و عزیز من جناب رحمت آریانا در مورد پنجهزار شهید بی مزار و بی کفن که بنا بر زحمات خستگی ناپذیر ایشان، در وبسایت افغان جرمن آنلین در سال ۲۰۱۳ میلادی نشر شده است

http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha_PDF/r_arya_ahazar_shahide_be_mazar_wa_be_kafan.pdf



پایان بی پایان

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

